

کودک امروز نابغه اقتصادی فردا

رابرت کیوساکی

وقتی می‌خواهم کتاب جدیدی بنویسم، همیشه به خودم این سؤال را می‌پرسم:

چرا این کتاب الان باید نوشته شود؟

پاسخ امروزم ساده است: چون روزی را دیدم که دختری ۱۴ ساله در کلاسِ نمره‌ی ۵/۷ ریاضی، به معلم گفت: من نمی‌خوام حسابدار بشم... من می‌خوام به فروشگاه آنلاین درست کنم که سودش رو به انجمن یتیمان هدیه بدم.

معلم لبخندی زد — شاید با کمی ترحم.

اما من دیدم که این دختر، هوش مالی دارد. هوشی که مدرسه آن را نمره‌دهی نمی‌کند... اما دنیای واقعی، سرمایه‌گذاری بر آن می‌کند.

بسیاری از کودکان امروز، در سیستم آموزشی، «تبل» تلقی می‌شوند، چون ذهن آن‌ها در فضای کسب‌وکار، خلاقیت و ریسک محاسبه‌شده کار می‌کند، نه در فضای پاسخ‌های از پیش تعیین‌شده.

این کتاب برای شما نوشته شده — نه برای آن‌که فرزندان را «شاگرد اول کلاس» کنید، بلکه برای اینکه بتوانید استعداد واقعی‌اش را، پشت نقش «شاگرد تبل»، کشف کنید.

چون دنیای فردا، به نابعه‌های حسابداری کمتر از نابعه‌های تصور/اقتصادی نیاز دارد.

هنگامی که می‌خواهم کتاب جدیدی بنویسم، ابتدا از خود می‌پرسم:

چرا این کتاب، همین/امروز، برای این نسل ضروری است؟

پاسخی که برای این کتاب یافتم، ریشه در یک تجربهٔ شخصی داشت:

سال ۱۹۸۹، پسر ۱۵ ساله‌ای به نام «مارک» — که معلم‌هایش او را «بی‌حوصله» و «بدشانس در ریاضی» می‌خواندند — در یک کارگاه آموزشی به من گفت:

آقای کیوساکی، من می‌خوام به کسب‌وکار کوچیک داشته باشم. نه برای پولدار شدن، بلکه برای اینکه بدونم چطور پول بیشتر از خرجم درمیا... نه اینکه به روز تصمیم بگیرم که بازنشسته بشم و ببینم پس‌اندازم کافی نیست.

آن لحظه فهمیدم:

دنیا دیگر به «دانش آموزان ممتاز» نیاز ندارد — دنیا به «سرمایه گذاران فکرکننده» نیاز دارد.

— و اینجاست که «کودک امروز»، تبدیل به «نابغه اقتصادی فردا» می شود.

🔑 هوش واقعی، هوش مالی است

مدرسه ها هوش را با نمره ریاضی و حفظ کردن تاریخ می سنجد. اما دنیای واقعی، هوش را با درک از دارایی و بدهی، توانایی تشخیص فرصت و جرئت تحمل ریسک آموزش دیده ارزیابی می کند.

من خودم در مدرسه جزو «شاگردان متوسط» بودم. پدر بی پولم (پدر واقعی ام) می گفت: «اگر نمره ات خوب نباشد، هیچ کس به تو کار نمی دهد»

اما پدر پولدارم (پدر دوستم) می پرسید:

«اگر نمره ات خوب نباشد، آیا هنوز هم می توانی یک کسب و کار راه اندازی کنی؟»

این دو سؤال، دو مسیر زندگی کاملاً متفاوت را رقم می زنند.

📈 چرا ثروتمندان در بحران ها پولدارتر می شوند؟

وقتی بازار سهام سقوط می کند، اکثر مردم می ترسند.

اما ثروتمندان، فرصت را می بینند.

چرا؟

چون آن ها تفاوت بین «قیمت» و «ارزش» را می دانند.

چون می فهمند که سرمایه گذاری یک مهارت است — نه یک شانس.

و چون می دانند:

« مدیریت پول، یعنی جلوگیری از از دست دادن. اما رشد ثروت، یعنی دانستن چیزهایی که ثروتمندان می‌دانند و دیگران نمی‌دانند »

این کتاب، آن «دانستن‌ها» را فاش می‌کند.

۱۰۴ کترلی که هر سرمایه‌گذار جوان باید تمرین کند

کیوساکی در این اثر، به جای دادن فرمول جادویی، ۱۰ کنترل استراتژیک را معرفی می‌کند — اصولی که ثروتمندان آن‌ها را از کودکی می‌آموزند:

- (۱) کنترل بر ذهنیت - تفکر ثروتمندانه VS فقرمند.
- (۲) کنترل بر اطلاعات - چه چیزی را نباید باور کرد.
- (۳) کنترل بر پول - چگونه از بدهی خوب، دارایی بسازیم.
- (۴) کنترل بر زمان - چرا «زود شروع کردن» مهم‌تر از «زیاد سرمایه‌گذاری کردن» است.
- (۵) کنترل بر ریسک - تفاوت بین ریسک نادانانه و ریسک محاسبه‌شده.

ادامه ی ۵ کنترل دیگر در فصل‌های بعدی.....

? چرا این کتاب را «کودک امروز، نابغه اقتصادی فردا» نامیدم؟

چون بسیاری از نوجوانان امروز، انرژی، خلاقیت و اشتیاق لازم برای تغییر دنیا را دارند — اما سیستم‌های آموزشی، این انرژی را به سمت «پاسخ‌های درست» هدایت می‌کنند، نه «سؤال‌های هوشمندانه»

این کتاب برای کسانی است که می‌پرسند:

- چرا بعضی‌ها با مدرک دکترا فقیرند، ولی بعضی‌ها بدون دیپلم، میلیونر؟
- چرا معلم‌ها مالیات را تدریس نمی‌کنند، در حالی که همه ما مالیات می‌دهیم؟
- چرا مدرسه «چگونه کار کنیم» را آموزش می‌دهد، اما «چگونه کار/یجاد کنیم» را نه؟

پاسخ این سؤالات، در این کتاب نهفته است.

ZarKalamS.ir/